

## حرف اینها و حرف ما

می گفتند که پول نفت را به سر سفره هایمان می آورند.  
اما می بینیم که صبح به صبح، گرانی و فقر را در بازار تحویل مان می دهند.  
می گفتند که نماینده عدالت اند و از مستضعفان و کوخ نشینان حمایت می کنند.  
اما می بینیم که کارگران را صد تا صد تا، و هزار تا هزار تا، بیکار می کنند.  
می گفتند که در دین و آئین شان باید دست کارگر را بوسید.  
اما می بینیم که کارگر آگاه و حق طلب را در خیابان شلاق می زنند.  
می گفتند که برای زن، بالاترین ارزش و جایگاه را قائلند.  
اما می بینیم که زن را در شرع و عرف یک موجود درجه دوم و یک ماشین جوجه کشی می دانند. می بینیم که با حجاب اجباری، صیغه، سنگسار و جداسازی جنسیتی، اسارت زن را تحکیم می کنند.  
می گویند که اینجا آزادترین جامعه دنیا است.  
اما می بینیم که زندان ها پر است از کارگران و زنان و جوانانی که حرف حق می زنند، آزادی می خواهند، به ستم و تبعیض گردن نمی گذارند و با استثمار مبارزه می کنند.  
می گویند مردم اینجا از همه مردم دنیا، شادتر و خوشبخت ترند.  
اما میلیون ها معتاد به مواد مخدر، هزاران مورد خودکشی در سال، هزاران مورد تن فروشی و تجارت و صدور بردگان جنسی، نشانه بی آیندگی و فقر مردم و انحطاط و بن بست جامعه است.  
می گویند معلم و مجری اخلاق و امنیت در جامعه اند.  
اما مقام انتظامی شان در خلوت، بساط فساد پهن می کند.  
می گویند با "استکبار جهانی" مخالفند و هیچ وقت در طول تاریخ، این کشور به اندازه امروز مستقل نبوده است.  
اما می بینیم که به ثروت های کشور چوب زده اند، منابع را پیش فروش کرده اند، و زندگی مردم را به نفت و نظر لطف اربابان بازار جهانی نفت وابسته نگاه داشته اند.  
می بینیم که برای پر کردن جیب خود و سرمایه داران بین المللی، دستور خارجی ها را به اجراء می گذارند و روزگار کارگران و زحمتکشان را با سیاست "خصوصی سازی اقتصاد" تیره و تارتر می کنند.  
و ما می گوئیم که:  
با نظام سرمایه داری مخالفیم.  
اینها را نمی خواهیم.  
در برابر فشار و سرکوب و تهدید کوتاه نمی آییم.  
و برای ساختن جامعه ای آزاد از بهره کشی انسان از انسان، آزاد از ستم جنسی و ملی و مذهبی، آزاد از وابستگی و سلطه سرمایه جهانی، آزاد از خرافه و جهل، آزاد از تاریخ اندیشی و کهنه پرستی، مبارزه می کنیم.

“جمعی از فعالین کارگری”

اردیبهشت 1378